



آموزش خلاق کودک محور

گذری بر آموزش و پرورش استثنائی

نویسنده: غلامعلی افروز

جست و جو و آماده سازی:

مؤسسه پژوهشی تاریخ ادبیات کودکان



مؤسسه پژوهشی تاریخ ادبیات کودکان





آموزش و پرورش استثنائی به تربیت کودکان استثنائی از قبیل کودکان تیزهوش، عقب مانده ذهنی، نابینا، ناشنوا، ناسازگار و معلول جسمی می‌پردازد، آموزش استثنائی یک نظام آموزش بالینی است که بر تواناییهای کودک استثنائی تاکید دارد و چون میزان توانائی آنان با کودکان عادی متفاوت است، باید برای آنها برنامه‌های آموزشی ویژه‌ای تدارک دید.

هم اکنون در ایران حدود سیصد مرکز به آموزش قریب هفده هزار کودک می‌پردازند. به منظور بهبود کار آنها، باید به تأمین امکاناتی از قبیل تهیه وسایل، آموزش معلمان، تشکیل دوره‌های تخصصی پژوهشی، تأسیس و تجهیز موسسات تربیتی خاص، برنامه‌های مستمر برای آشنا ساختن والدین و ایجاد مراکز مشاوره پرداخت.

آموزش و پرورش استثنائی یا تعلیم و تربیت کودکان استثنائی، دریچه شناختی زنده و جوان است که سابقه تاریخی طولانی ندارد، اما کودکان استثنائی به تعبیری که بدان اشاره خواهیم کرد، همیشه در طول تاریخ وجود داشته‌اند.

کلمه استثنایی یک واژه جامع و کلی است و اگر بخواهیم به صورت دقیق کلمه از آن صحبت کنیم، شامل همه انسان‌ها می‌شود، زیرا نظام خلقت از دیدگاه الهی خلقتی ویژه و استثنایی است. خالق انسان‌ها هر نفسی را به گونه‌ای خاص می‌آفریند: قد خلقکم اطوارا و هر انسانی در واقع خود فطرتا استثنایی بوده و با همه انسان‌های دیگر از جهات مختلف متفاوت است. و به سبب همین آفرینش ویژه و اختصاصی انسان است که اسلام ارزش وجودی هر فردی را برابر با ارزش همه انسان‌ها می‌داند. و من احیایا فکانما احیا الناس جمیعا این ارزش وجودی انسان علی‌رغم همه تفاوت‌ها و ویژگی‌های خاص فردی، از آن همه انسان‌هاست.

اما از نظر آموزشی، امروزه واژه استثنایی به کودکانی اطلاق می‌شود که از جهات مختلف ذهنی، جسمی، عاطفی و اجتماعی تفاوت قابل ملاحظه‌ای با دیگر کودکان همسال خود دارند، به نحوی که به لحاظ همین تفاوت‌های محسوس، قادر نیستند از برنامه‌های درسی عادی که اصولاً بر پایه ویژگی‌ها و تواناییهای مشترک اکثریت کودکان در سنین مختلف تنظیم گردیده است، به‌طور بایسته و شایسته بهره‌مند گردند. بنابراین تعریف، واژه کودکان استثنایی شامل کودکان تیزهوش، عقب‌مانده ذهنی، نابینا و ناشنوا و ناسازگار، معلولین جسمی و نظایر آن می‌گردد.

واژه معلول به کسانی اطلاق می‌شود که به دلیل نقص جسمی، ذهنی و یا اختلال رفتاری شدید، دارای مشکلات و مسائل خاصی بوده و نیاز به توجه فوق‌العاده دارند. در واقع اصطلاح معلول دارای شمول محدودتری است. بدیگر سخن، هر کودک معلولی استثنایی نیز هست، اما هر کودک استثنایی لزوماً معلول نیست، لذا بایسته نیست که واژه‌های استثنایی و معلول بطور متعارف بکار می‌رود.



به طور کلی از نظر آموزش به گروه‌های زیر استثنایی گفته می‌شود:

- ۱- کودکان عقب‌مانده ذهنی یا کم‌هوش.
- ۲- کودکان مبتلا به اختلالات خاص یادگیری.
- ۳- کودکان سازش نایافته یا ناسازگار.
- ۴- کودکانی که دارای اختلالات گویایی هستند.
- ۵- کودکانی که دچار نارساییهای شنوایی هستند.
- ۶- کودکانی که دچار نارساییهای بینایی هستند.
- ۷- کودکانی که به بیماری‌های مزمن خاص از قبیل مرض قند، صرع و غیره دچارند.
- ۸- کودکانی که دچار نقص عضو یا فلج مغزی هستند (معلولین جسمی).
- ۹- کودکانی که دارای معلولیت‌های مضاعف هستند.
- ۱۰- کودکان تیزهوش و پر استعداد.

براساس بررسی‌ها و آمارهای مجامع علمی و فرهنگی و بین‌المللی نظیر یونسکو و برخی کشورهای غربی، در حدود ۱۰ تا ۱۵ درصد از کودکان سنین مدرسه رو (۷-۱۸ سال و یا ۶-۱۷ سال) هر کشور بنا بر تعاریفی که گذشت، استثنایی بوده و نیاز به توجه خاص آموزشی دارند. به عنوان مثال در سال ۱۹۷۹ دفتر آموزش کودکان معلول در امریکا اعلام کرد که حدود ۱۲ درصد از کودکان، از تولد تا ۱۹ سالگی، به نحوی دچار معلولیت بوده و نیاز به آموزش ویژه دارند. ۵ بدیهی است که این رقم بدون احتساب کودکان تیزهوش است.

اصطلاح آموزش و پرورش استثنایی ۱ یا آموزش و پرورش برای کودکان استثنایی ۲ مربوط می‌شود به ایجاد تغییرات و اصلاحات لازم در برنامه‌های عادی آموزش و پرورش و تهیه یک طرح و برنامه‌ریزی آموزشی مناسب با ویژگیهای فردی، اتخاذ روش‌ها و شیوه‌های خاص تربیتی، تهیه و تنظیم وسایل و لوازم ویژه جهت کمک به کودکان استثنایی، به گونه‌ای که هرکس به فراخور ویژگی‌های ذهنی و جسمی خود به حداکثر تواناییها و استعدادهای بالقوه خویش نایل آید. در واقع آموزش استثنایی یک نظام آموزش بالینی است که هدفش توجه به تواناییهای کودک استثنایی است نه ناتوانی‌های او. به عبارت دیگر، آموزش و پرورش استثنایی بیانگر توسعه و پیشرفت حرفه‌ای و تخصصی در ارزیابی و تشخیص نیازها و قابلیت‌های فردی و ارائه برنامه آموزش انفرادی است. همانگونه که یکی از اهداف مهم آموزش و پرورش، توجه به تفاوت‌های برونی و درونی کودکان و بالطبع



آموزش انفرادی است، آموزش و پرورش استثنایی نیز گامی جدی در این جهت است. فی الواقع، برخلاف آنچه که عمدتاً در اذهان تداعی می‌شود، آموزش و پرورش استثنایی لزوماً به معنای جداسازی و انتقال کودک از مدرسه عادی به مدرسه استثنایی نیست، بلکه آموزش استثنایی برنامه‌ای تنظیم شده براساس ارزیابی‌های مستمر و جامع برای کودک، از تولد تا پایان زندگی و همراه با خانواده و مدرسه و اجتماع است.

1. noitacudE laicepS
2. nerdlihc lanoitpexE rof noitacudE

لذا ایجاد کلاس‌ها و مدارس خاص برای کودکان استثنایی هدف نیست بلکه برخاسته از یک ضرورت آموزشی است. زیرا با حضور دو سه نفر کودک استثنایی در یک کلاس معمولی ۴۰ تا ۵۰ نفری، معلم قادر نخواهد بود، آنگونه که شایسته است توجه به تفاوت‌های فردی داشته باشد، مخصوص زمانی که تفاوت موجود بین این دو سه نفر کودک استثنایی با سایر کودکان قابل ملاحظه باشد. اگر معلم بخواهد توجه بیشتری به این کودکان، که نیاز بیشتری دارند مبذول دارد ناگزیر است از وقت آموزش و هدایت سایرین بکاهد و بالعکس.

از طرفی رعایت اصل مساوات بین انسان‌ها که مکتب انسان‌پرور اسلام بر آن تاکید فراوان دارد و پیامبر بزرگوار اسلام ندایاناس فی الاسلام سوا را به مثابه شالوده و زیربنای فکری-عقیدتی مکتب اسلام سر می‌دهند، زمانی می‌تواند تحقق یابد که زمینه برخورداری مساوی (نه مشابه) از مواهب و نعمت‌های الهی، امکانات و تسهیلات مختلف جامعه برای کلیه افراد علی‌رغم تفاوت‌ها و به فراخور ویژگی‌های خاص جسمی و ذهنی و روانی و اجتماعی آنان فراهم گردد. و تنها در این صورت است که می‌توانیم اعلام کنیم که همه انسان‌ها باهم برابرند و از حقوق یکسان برخوردارند. زیرا خداوند همه را در عین خلقت خاص، مساوی آفریده و تنها معیار ارزش‌ها نزد خالق انسان‌ها تقوی است و بس، و تقوی نیز کسب کردنی است. حقیقت آن است که رشد فرهنگ و اعتلای ارزش‌های هر ملتی بستگی به میزان توجه آنها به حقوق حقه همه افراد جامعه به طور اعم و افراد استثنایی به طور اخص دارد. لذا باید شیوه‌ای اتخاذ گردد که این کودکان استثنایی به تناسب ویژگی‌های خود از برنامه‌های آموزشی برخوردار گردند. در نیل به این هدف است که وقتی مدرسه عادی، از نیروی انسانی مجرب (روانشناسان، کارشناسان و معلمان استثنایی)، برنامه‌های فوق العاده راهنمایی و مشاوره‌های آموزشی برخوردار نیست، کودکان استثنایی ناگزیر روانه مدارس خاص می‌گردند. مدارسی که دارای معلمان آموزش ویژه (استثنایی)، برنامه ویژه آموزشی و پرورشی، و وسایل و لوازم خاص آموزشی هستند.

بانگاه کلی به وضعیت خاص کودکان استثنایی به تعبیری که پیش‌تر بدان اشاره گردید، و باتوجه به نیازهای خاص آنان، اعم از نیاز به نیروی انسانی مجرب و ورزیده و وسایل آموزشی و کمک آموزشی، و با در نظر گرفتن شرایط جغرافیائی، اجتماعی، و اقتصادی کشور و توزیع این کودکان در شهرها و روستاهای دور و نزدیک و پذیرفتن ضرورت آموزش و پرورش استثنایی، برای تعلیم و تربیت این کودکان عمدتاً دو راه بیشتر به نظر نمی‌رسد، اول آنکه کودک یا کودکان استثنایی در هر نقطه و مدرسه‌ای که هستند بمانند و امکانات، اعم از کارشناسان متخصص و معلمان ویژه و وسایل و تجهیزات آموزشی و کمک آموزشی در آن محل فراهم گردد. و اگر این طریق مقدور نباشد ناگزیر باید شیوه دیگری را اندیشه نمود، و واقع این است که به خاطر کمبود نیروی



انسانی مورد نیاز و تجهیزات آموزشی به سختی می‌توان در سطوح مختلف کشور چنین امکاناتی را فراهم کرد. در این رابطه، حتی کشورهای غربی نیز دچار تنگناها و محدودیت‌های مختلف هستند.

طریق دوم، استفاده از حداکثر امکانات، اعم از نیروی انسانی متخصص و مجرب، وسایل و تجهیزات آموزشی، متمرکز کردن آن‌ها در چندین مدرسه خاص، و فرستادن کودکان استثنایی به آن مدارس است. البته می‌توان این روش را به شیوه‌های مختلف از قبیل: دایر کردن برنامه فوق العاده آموزش استثنایی در مدارس عادی، ایجاد کلاسهای نیمه وقت و تمام وقت در مدارس عادی، تأسیس مدارس روزانه و شبانه‌روزی انجام داد. این شیوه از آموزش و پرورش کودکان استثنایی شامل همه کودکان استثنایی اعم از تیزهوش و نابینا و ناشنوا و عقب‌مانده ذهنی است. البته تفصیل برنامه‌های آموزشی هر یک از گروه‌های استثنایی، به ویژه آموزش و پرورش و کودکان تیزهوش، و تجاری که در کشورهای مختلف در این زمینه کسب شده، نیاز به بحث جداگانه‌ای دارد. در هر حال آنچه مسلم است این است که هدف، ارائه موثرترین برنامه آموزشی متناسب با ویژگیهای هر دسته از کودکان استثنایی و در چارچوب امکانات و مقدرات جامعه است.

ریشه‌های تاریخی آموزش و پرورش استثنایی را به گونه‌ای که امروز مطرح است می‌توان در اوایل سالهای ۱۸۰۰ میلادی در میان تلاش‌های تنی چند از پزشکان محقق یافت. از ایتارد ۱ پزشک اندیشمند فرانسوی (۱۸۳۸-۱۷۷۵) که پزشکی حاذق و صاحب‌نظر در بیماری‌های گوش و تعلیم و تربیت کودکان ناشنوا بود می‌توان به عنوان یکی از پیشگامان آموزش و پرورش استثنایی نام برد. از جمله معروف‌ترین کارهای ایتارد تلاش وی در تربیت ویکتور، کودک ۱۰ ساله‌ای است که در یکی از جنگ‌های فرانسه پیدا شد. وی با زندگی اجتماعی آشنایی نداشت و آثاری از رشد زبان در او مشهود نبود.

ادوارد سگن ۲ (۱۸۸۰-۱۸۱۲) شاگرد ایتارد که در سال ۱۸۴۸ به امریکا مهاجرت کرد، از اولین کسانی که با روش ابداعی ۱ خود سعی در تعلیم و تربیت کودکان عقب‌مانده ذهنی داشت. در کنار تلاش‌های ایتارد و سگن، زحمات چشمگیر خانم ماریا مونته سوری (۱۹۵۲-۱۸۷۰)، قابل توجه است. وی تحت تاثیر عمیق فعالیت‌ها و روش‌های سگن به عنوان مربی کودکان عقب‌مانده ذهنی و حامی آموزش و پرورش پیش‌دبستانی برای همه کودکان شهرت یافت. بدنبال کوشش‌های قابل ملاحظه ایتارد و سگن و مونته سوری، پیشگامان نهضت تعلیم و تربیت استثنایی، شاهد تلاش‌های گسترده دیگر محققین و متخصصین در کشورهای مختلف جهان و تأسیس مراکز، مدارس و کلاسهای ویژه برای کودکان استثنایی هستیم.

1. dratI.M.J
2. niuges.E

در جامعه ما، تاریخچه برنامه آموزش و پرورش استثنایی به دهه قرن اول چهاردهم شمسی مربوط می‌شود. در این دوران، اولین مدرسه کر و لال‌ها در تهران توسط مرحوم جبار باغچه‌بان و اولین مدرسه ویژه نابینایان در تبریز توسط یک کشیک آلمانی بنام پاستور ارنست کریستفل (سال ۱۲۹۹) تأسیس گردید، و بدنبال آن در چند شهر دیگر مدارس مشابهی توسط افراد خیر و آگاه بنا شد. در این رابطه می‌توان از تأسیس مدرسه

شبانه‌روزی نابینایان در تهران در سال ۱۳۲۸، و چندین مدرسه استثنایی دیگر همچون ابابصیر، گلبدی، نیمروز، نظام مافی، خزائی و غیره نام برد.

در سال ۱۳۴۷ دفتری بنام دفتر آموزش کودکان و دانش‌آموزان استثنایی در وزارت آموزش و پرورش ایجاد شد. در واقع مسئولیت این دفتر شناخت، گزینش و جایگزینی مطلوب و آموزش و پرورش کلیه کودکانی است که به علل تفاوت‌های قابل ملاحظه ذهنی و جسمی و عاطفی قادر به استفاده از برنامه‌های عادی آموزش و پرورش نیستند. در پی آغاز فعالیت این دفتر، مراکز و مدارس متعددی در نقاط مختلف کشور برای تعلیم و تربیت کشور کودکان استثنایی شروع بکار کردند، مطابق گزارش‌های رسمی وزارت آموزش و پرورش ده سال پس از تاسیس دفتر مذکور، یعنی در سال ۱۳۵۷ حدود ۸۰۰۰ دانش‌آموز استثنایی (عمدتاً عقب‌مانده ذهنی، نابینا، ناشنوا، ناسازگار و تیزهوش) تحت پوشش دفتر مذکور مشغول تحصیل بودند. با توجه به پیشرفتهای روزافزون تکنولوژی آموزشی، بالا رفتن آگاهی غالب اولیاء کودکان استثنایی و ایجاد نگرش مثبت در تعلیم و تربیت فرزندان خود تاثیر مدارس استثنایی در تعلیم و تربیت موثر کودکان استثنایی، به ویژه ورود تنی چند از دانش‌آموزان نابینا و ناشنوا به موسسات آموزش عالی و همچنین تلاش روز افزون و متعهدانه مسئولین دفتر کودکان استثنایی در پرتو انقلاب شکوهمند اسلامی، در حال حاضر حدود ۱۷ هزار دانش‌آموز استثنایی در حدود ۳۰۰ مدرسه مختلف در تهران و شهرستان‌ها مشغول تحصیل هستند.

1. dohteM lacigoloisyhP
2. irossetnoM.M
3. lefotsirhC tsenrE.P

ضمن اذعان بر افزایش چشمگیر دانش‌آموزان استثنایی نسبت به سالهای گذشته (در حدود صد درصد)، باید متذکر شد که با توجه به آمار کل دانش‌آموزان استثنایی که با احتساب حداقل آمار ۱۰ درصد از کودکان سنین مدرسه رو، تعدادی در حدود یک میلیون دانش‌آموز استثنایی تخمین زده می‌شود، وزارت آموزش و پرورش در جهت شناخت، گزینش و جایگزینی مطلوب و تعلیم و تربیت همه کودکان استثنایی میهن اسلامی مان راه درازی در پیش و مسئولیت خطیری بر دوش دارد. قدر مسلم در این میان تربیت کارشناسان، مشاوران و معلمان استثنایی از اهم مسئولیت‌هاست. لازم به تذکر است که در کنار فعالیتهای آموزش و پرورش، مراکزی نیز در تهران و شهرستان‌ها جهت نگهداری و تربیت و بازپروری کودکان معلول تحت مسئولیت سازمان بهزیستی کشور فعالیت دارند. اگرچه به ظاهر هر کدام از دو ارگان، مسئولیت و وظایف خاصی بر عهده دارند، اما در نهایت در جامعه ما نوعی عدم هماهنگی در برنامه‌ریزی، شناخت، گزینش یا پذیرش و تعلیم و تربیت و بازپروری کودکان استثنایی وجود دارد. بعنوان مثال وزارت آموزش و پرورش اعلام می‌کند که صرفاً مسئولیت تعلیم و تربیت کودکان آموزش پذیر سنین مدرسه رو را می‌تواند با شرایط خاصی و در حد مقررات بپذیرد و بقیه مسئولیت‌ها را متوجه سازمان‌های دیگر، همچون بهزیستی، می‌داند در حالیکه سازمان بهزیستی نیز برای خود صرفاً مسئولیت‌های خاصی را قائل است.





واقع این است که با توجه به ماهیت امر آموزش و پرورش استثنایی که با تولد کودک استثنایی آغاز می‌گردد و تا پایان حیاتش می‌بایست همراه او باشد، وجود سازمان مستقلی که مسئولیت شناسایی و آموزش و پرورش و بازپروری، ارشاد و هدایت کلیه افراد استثنایی را بر عهده داشته باشد کاملاً ضرورت و اجتناب ناپذیر است، و تنها در این صورت است که هزاران خانواده که خود نیاز به راهنمایی و مشاوره دارند از نگرانی و سرگردانی رها شده و در جامعه ما گامی دیگر در تحقق آرمان‌های مقدس قانون اساسی جمهوری اسلامی برداشته می‌شود.

در حقیقت، شناسایی هرچه زودتر کودکان استثنایی، ضمن آنکه فرصت لازم را (در شرایط بعد از تولد) برای هرگونه اقدام ممکن و موثر درمانی و پزشکی و تدابیر مربوط به پیشگیری از پیشروی احتمالی نارسایی‌ها بهتر فراهم می‌کند. زمینه طرح برنامه‌های خاص آموزشی و پرورشی را برای کودکان استثنایی از اولین دوران تربیتی و مراحل رشد به‌عنوان یک ضرورت هموار می‌کند. پدر و مادری که صاحب فرزندی نابینا یا ناشنوا می‌شوند، باید بدانند که چه رابطه‌ای با کودک خود داشته باشند، زیرا که کودک استثنایی به رابطه استثنایی با خانواده خود نیاز دارد، و خانواده کودک استثنایی نیز به علت نگرانی‌ها و نگرش‌های خاص شدیدانگیز به راهنمایی و مشاوره در زمینه تربیت کودک خود دارند. هرگونه بی‌توجهی در این دوران و باعمال شیوه‌های تربیتی ناصحیح، زبانی است که بعدها به سختی جبران می‌گردد.

به عنوان مثال، اگر پدر و مادری که تا آغاز سن مدرسه (پایان شش سالگی) ساده‌ترین تجارت و شیوه‌ها و مهارت‌های برقراری ارتباط، زبان و مکالمه را به کودک ناشنوای خود منتقل نکرده باشند، بالطبع کودک آنها به هنگام ورود به مدرسه ناگهان بادنمای لب‌خوانی و هنر تلفظ کلمات و زبان اشاره ویژه ناشنویان مواجه می‌گردد که بایست از سال‌ها پیش با این شیوه مانوس می‌شده است. در اینجاست که زمان قابل ملاحظه‌ای از فرصت‌های آموزشی معلم به ناچار صرف اصلاح عادات ارتباطی نادرست و آموزش‌های ناصحیح قبلی کودک می‌گردد و حاصل آن عقب‌افتادگی آموزشی کودک از روند طبیعی برنامه‌های آموزشی خواهد بود، که دلیل آن عمدتاً عدم توجه به وظایف و مسئولیت‌های این قبیل خانواده‌های استثنایی و ندادن برنامه‌های آموزشی لازم پیرامون تعلیم و تربیت کودک استثنایی به آن‌هاست. لذا نه تنها شروع برنامه آموزش و پرورش استثنایی از بدو تولد کودک استثنایی امری است حیاتی، بلکه ادامه برنامه آموزش و پرورش در جهت راهنمایی و مشاوره و هدایت مستمر بزرگسالان استثنایی در زمینه‌های خانوادگی، رفاهی، شغلی و اجتماعی و نحوه ادامه تحصیلات عالی به برخی از ایشان نظیر دانش‌آموزان ناشنوا و نابینا و به خصوص تیزهوش که از سرمایه‌های وزین جامعه هستند، کاملاً ضروری است.

باتوجه به مراتب فوق و برای پرکردن شکاف‌های بزرگی که متأسفانه در قلمرو تعلیم و تربیت کودکان استثنایی وجود دارد، اقدامات زیر لازم به نظر می‌رسد:

الف- تهیه ابزارهای لازم برای مطالعه میزان هوش، نوع شخصیت و همچنین سنجش ویژگی‌های حسی و حرکتی کودکان (مانند بینایی و شنوایی) قبل از آنکه به موسسات آموزشی راه یابند.



ب- آشنا ساختن همه معلمان به خصوص معلمان سالهای اول دبستان با اصول تفاوت‌های فردی و نظام آموزش استثنایی و طریقه استفاده صحیح از وسایل تشخیصی از این قبیل. این آمادگی که با توجه به پراکندگی روستاهای کشورمان برای همه معلمان دبستان لازم است، باید در مراکز تربیت معلم بوجود آید.

ج- مطالعه همه کودکانی که به مدرسه راه می‌یابند با روشهای علمی و تشکیل پرونده خاص برای هر یک که حاکی از وضعیت ذهنی، جسمی و رفتاری دانش‌آموز باشد.

د- ایجاد دوره‌های تخصصی برای تحقیق درباره کودکان استثنایی و تربیت معلمان و کارشناسان تعلیم و تربیت کودکان استثنایی به تعداد مورد نیاز در سطوح لیسانس و فوق لیسانس و دکتری.

لازم به یادآوری است که به نظر بسیاری از متخصصان ۱۴ پیشرفت آموزش و پرورش کودکان استثنایی به سبب تعمقی که لازمه این قبیل تحقیقات است، اصول تربیت‌هایی را آشکار می‌سازد که می‌تواند به بهبود کیفیت آموزش و پرورش کودکان عادی نیز کمک کند.

ه- تاسیس موسسات تربیتی خاص برای کودکان استثنایی باندوین برنامه‌هایی که در کلاسهای مشترک با روشهای آموزش و پرورش انفرادی درباره کودکان با ویژگیهای متفاوت قابل اجرا باشد.

و- تربیت برنامه‌های خاصی برای آشنا ساختن والدین این قبیل کودکان و جلب توجه آنان به اینکه هرچه کودکان استثنایی زودتر شناسایی شوند آسان‌تر و بهتر می‌توان به یاری آنان پرداخت.

ز- تاسیس مراکز راهنمایی و مشاوره والدین، به خصوص مشاوره ژنتیکی یکی از اقدامات بسیار مهم و حیاتی در این زمینه است.

منبع: مجله روانشناسی و علوم تربیتی (دانشگاه تهران)، بهار و تابستان ۱۳۶۴، شماره ۳۲



مؤسسه پژوهشی تاریخ ادبیات کودکان، نهادی غیردولتی و ناسودبر است. این نهاد در سال ۱۳۷۹ از سوی پژوهشگرانی که در حوزه ادبیات کودکان فعال بودند، پایه گذاشته شد و اکنون با بیش از ده سال پیشینه از فعالیت های گسترده، در سطح ملی و بین المللی به کار خود ادامه می دهد.

دفتر این مؤسسه در تهران است و شیوه همکاری با این نهاد به دو شکل کار رسمی و داوطلبانه است. مؤسسه پژوهشی تاریخ ادبیات کودکان هزینه های سازمانی خود را از راه کمک های مردمی و اجرای پروژه های فرهنگی و انتشاراتی به دست می آورد. چنانچه مؤسسه درآمدی داشته باشد، این درآمد را در راه گسترش هدف های خود هزینه می کند.

پیوندگاه:

koodaki.org	مؤسسه پژوهشی تاریخ ادبیات کودکان	کودکی
iranak.org	ایران کودکی	ایرانک
ketabak.org	پنجره ای به جهان خواندن	کتابک
amoozak.org	آموزش خلاق کودک محور	آموزک
khanak.org	با من بخوان	خوانک
rootak.org	پایگاه ارتباط فرهنگی کودک و نوجوان	روتک
dabire.org	درست بیاموز، تا درست بنویسی	دبیره
koodakar.org	صندوق آموزش و توانمند سازی کودکان کار و محروم	
hodhod.com	گزید هترین کتاب های کودک و نوجوان	کتاب هدهد